



در جست و جوی هویت از دست رفته!

مصاحبه با خانم ظهیری (کارشناس امور زنان)



■ زهرا حاجی پور

زن و مرد ایجاد کرده است، که این انفکاکات بسیار مفید است. اما در عین حال نگاه ابتدایی به انسان نگاهی فراجنسیتی است در قالب خلیفه‌اللهی، نه زن و مردی! اما در غرب از ابتدا انسان را دو گروه دیدند: زن و مرد!

تا سال‌ها زن جزو انسان‌های آزاد نبود. در قوانین غرب زن در ردیف صغار و محجورین بود. بعد از رنسانس با تغییر در قوانین، نظام تشابه بین زن و مرد ایجاد شد! در این نظام تشابه‌نگر، اختصاصات وجودی زن نادیده گرفته شد در حالی که در اسلام این اعتقاد وجود دارد که این اختصاصات و تفاوت‌ها مفید است و دلیل دارد!

اسلام زن و مرد را منفک از یکدیگر نمی‌بیند بلکه آنها را مکمل هم می‌داند، نه مقابل هم، ولی در غرب زن و مرد مقابل یکدیگرند و هر یک تلاش می‌کند تا جایگاه خود را تثبیت کنند.

پس شما هم موافقید که زن در جوامع غربی در یک جاهلیت مدرن استثمار می‌شود؟

بله غرب در همین دیدگاه تشابه‌نگر قوانینی را تصویب کرد تا به اصطلاح رفع تبعیض کند. زنان غرب به تکاپو افتادند و تمام تلاش‌هایشان منجر به تصویب کنوانسیون رفع تبعیض در سازمان ملل متحد شد. این کنوانسیون دو پی‌آمد به همراه داشت:

با قانونی شدن دیدگاه تشابه‌نگر در عرصه بین‌الملل شرایطی به وجود آمد که با جمیع جهات با فطرت زن در تعارض بود چون در این قوانین اختصاصات وجودی زن و فطریات او نادیده گرفته شد و با تزلزل نظام وجودی زن، ضررهای بسیاری متوجه آنها شد؛ مثل کارهای طاقت‌فرسای شبانه‌روزی در کارخانه‌ها و ...

نیست. همان میزان نگرانی و اضطرابی که به واسطه پیشرفت تکنولوژی برای مردان ایجاد شده، برای زنان نیز به وجود آمده است و به همان میزان رفاهی که به واسطه تکنولوژی برای زنان ایجاد شده، برای مردان نیز حاصل شده است. اگر تا چند سال پیش مردان منتظر بودند که زنان لباس‌هایشان را بشویند، امروز با فشردن دو دکمه این کار برایشان انجام می‌شود.

شاید منظور این باشد که با پیشرفت تکنولوژی سطح توقعات زنان بالا رفته و مردان مجبورند برای برآورده کردن این توقعات تلاش بیشتری بکنند.

اینکه سطح توقعات بالا رفته، امری نیست که تنها مختص به زنان باشد. مردان نیز از این امر مستثنی نیستند. چنان‌که در جامعه می‌بینیم که گران‌قیمت‌ترین ماشین‌ها زیر پای مردان است. کامپیوترهای همراه بیشتر در دست مردان دیده می‌شود. به نظر بنده نفع و ضرر تکنولوژی برای زنان و مردان به یک اندازه است!

دیدگاه جامعه غربی درباره زنان با دیدگاه اسلام درباره زن بسیار متفاوت است. تفاوت‌های اساسی آن را بر ایمان بیان کنید.

در قوانین اسلامی انسان خلیفه‌الله است، قدرت اندیشه و اختیار دارد، البته در جهت رضایت الهی. درباره زن نیز دیدگاه اسلام فراجنسیتی است؛ یعنی اسلام زن را در قالب انسانی و خلیفه‌اللهی می‌بیند که همه قابلیت‌های کمال و رشد را داراست.

نگاه اسلام، نگاه تساوی‌نگر است. اسلام با توجه به اختصاصات وجودی زن تفاوت‌هایی را در حیطه مسئولیت‌ها بین

پس شما معتقدید که در رفتار و لباس، جوانان از مدل‌های غربی پیروی نمی‌کنند؟

خیر، این پیروی ناشی از یک نفوذ مرموز در افکار مردم است. آنها با ایجاد یک تغییر فرسایشی در مخاطب این ذهنیت را ایجاد می‌کنند که این‌گونه زیستن مطلوب است و مخاطب هم به خاطر تبلیغات گسترده جذب شده و خود را به همان صورت درمی‌آورد. من معتقدم که این نفوذ را نمی‌توان الگوبرداری تام تصور کرد! این همسان‌سازی به این معنا نیست که فرد بخواهد خودش را به طور کامل شبیه آن هنرپیشه کند. آنچه بیشتر برای فرد جذابیت دارد، رفتار و تیپ آن شخصیت است نه خود آن شخصیت چون این باور غلط در ذهن افراد وجود دارد که این‌گونه بودن مطلوب است و خلاف این، تحجر و عقب‌ماندگی محسوب می‌شود.

این تقلید بدین معنا نیست که فرد بخواهد خود را دقیقاً از هر حیث شبیه آن شخصیت کند، چون اگر مطلوب خود را در فرد دیگری بیابد، خود را سریعاً شبیه او می‌کند. برخلاف الگوهای اصیل که الگوی شخص الگو واقع می‌شود. الگوهای ارزشی، تام، ثابت و غیرقابل تغییرند، اما به شرطی که به خوبی معرفی شوند. ما باید این باور و اعتماد را در نسل جوان ایجاد کنیم. وقتی جوانی حضرت زهرا (ع) و یا حضرت علی (ع) را باور کند، او را با تمام ویژگی‌هایش می‌پذیرد و با هیچ کس دیگر عوض نمی‌کند.

با پیشرفت فناوری، زندگی برای مردها سخت شده و برای زنان آسان. شما با این جمله موافقید؟

این پیشرفت برای هر دو جنس حاصل شده است. تکنولوژی جنسیت‌بردار

به نظر شما چه ویژگی در زنان غربی است که امروزه الگوی برخی از زنان مسلمان ما قرار گرفته‌اند؟

من قبول ندارم که زنان غربی امروز الگو هستند. غرب امروز عقب‌گرد محسوسی در عرصه اخلاق و تربیت دارد، به طوری که در چهره‌های متشخص غربی نیز این عقب‌گرد به سوی معنویت و اخلاق کاملاً ملموس است. شاید بتوان گفت که این الگوبرداری بیشتر در کشورهایی دیده می‌شود که فقر فرهنگی و معنوی شدیدی دارند و همین امر باعث شده تا راه رفته غرب را دوباره امتحان کنند و کشور ما از چنین فقری عاری است.

هم‌اکنون نظام فکری غرب متحول شده است. تمام نظریه‌پردازان جهان می‌دانند که دیگر یک نسخه برای تمام دنیا کارآمدی ندارد. با تأملی کوچک می‌توان دریافت که چهره‌های ارزش‌مدار و انقلابی امروز بیشتر الگو هستند تا زنان فاسد غربی.

در صحبتان اشاره کردید که ممکن است این زنان در جوامع عقب‌مانده الگو واقع شوند. شما جامعه ما را جزو کدام دسته از جوامع به حساب می‌آورید؟

افراد جامعه معمولاً افرادی آگاه، فرهیخته و روشن‌ضمیرند. به خصوص بعد از انقلاب اسلامی دیگر مردم توجهی به ستاره‌های غربی ندارند به طوری که آنها به صورت الگوهای همه‌گیر در جامعه نمود داشته باشند. شاید برای عده‌ای مرجع تقلید در لباس و مد باشند، ولی اینکه منش و کردار و رفتار آنها به طور کامل تقلید شود، نه!



حُب به جایی رسید که به عنوان زنی کارآمد و پاسخگو در جامعه مطرح می‌شود.

زینب کبری فقط دوران طفولیت را در آغوش مادرشان بودند، اما چنان تأثیر ژرفی در وجودشان به ودیعه می‌ماند که پیام‌آور حادثه سرخ عاشورا می‌شوند. مادران شهید، فرزندان شهید از ۴۲ تا ۵۷ از ۵۷ تا سال‌های جنگ. حتی امروز زنان ما در عرصه ورزش به قله اُورست صعود می‌کنند و در آنجا پرچم یا زهرا را به اهتزاز درمی‌آورند. در کشور کره زنان مخترع ما امتیاز کسب می‌کنند. زنان امروز جامعه ما هم می‌توانند برای زنان جهان الگو باشند.

بزرگ‌ترین هدیه‌ای که امام به زنان ما داد؟

خودباوری، قبل از انقلاب دو راه بیشتر پیش روی زنان ما نبود: روشنفکری و تجددگرایی و بی‌حجابی و فرنگی‌مآبی و یا گوشه‌گیری و عزلت! من امام را احیاگر شخصیت و هویت زنان در عرصه اجتماعی می‌دانم. امام یک الگوی جدید ارائه دادند که می‌شود حضور فعال و جدی داشت و در عین حال در فرهنگ غربی غرق نشد. زن مسلمان باحشی و بانشاط در عرصه‌های اجتماعی حضور یابی. امروز زن مسلمان انقلابی برای جهان الگویی شده است کارآمد و بدون ایتدال!

زنان ما چه هدیه‌ای به امام دادند؟ همراهی؛ زنان ما دوش به دوش مردان و حتی گاهی جلوتر از آنان در عرصه‌های ایثار و گذشت حماسه‌هایی و صف‌ناشدنی آفریدند هم در دوران انقلاب و هم در دوران دفاع مقدس. رضایت امام از زنان انقلابی بارها و بارها در سخنرانی‌هایشان بیان شد.

علت دوم که مهم‌تر از علت اول است مربوط به ذهنیت‌ها و فرهنگ‌هاست! ما هنوز ذهنیت‌ها و فرهنگ‌های غلط پیش از انقلاب را حمل می‌کنیم. متولیان فرهنگی و رسانه‌ای ما برای رفع این ذهنیت‌های غلط خوب کار نکردند بلکه دو بخش شدند: بخشی تحت تأثیر فمینیسم و جریان متجددگرایی غرب قرار گرفتند، بخش دوم نیز تحت تأثیر رسوبات فکری سنت‌گرای متحجر قرار گرفتند که معتقد به مهجوریت و محرومیت زنان بود.

مهم‌ترین آفتی که امروزه دختران و زنان عصر ما را تهدید می‌کند چیست؟

شناختن مبانی اصیل دینی و نداشتن یک الگوی مشخص و والا! زنان ما دچار یک بحران هویت شده‌اند. نمی‌دانند ارزش‌های اصیل دینی و اسلامی را باید رأس هرم قرار دهند یا الگوهای نوظهور و پرزرق و برق امروزی را. البته نباید تصور کرد که این بحران هویت به معنای فراموشی ارزش‌های والا!ی دینی است بلکه به معنای تزلزل در مبانی فکری است. به عبارت دیگر گویی جای پای اعتقادات هنوز محکم و قابل اعتماد نیست! هنوز آن استقامت و استحکام لازم ایجاد نشده است.

به غیر از حضرت زهرا می‌توانید الگوهای دیگری نام ببرید که منششان برای زنان و دختران کاربردی باشد؟

فضه خادمه حضرت زهرا که در اثر همنشینی با زهرا اطهر مقامش به جایی رسید که تکلمش با قرآن بود. ام‌ایمن کسی است که به حضرت زهرا علاقه داشت و به واسطه این

چون زنان به آداب و سننشان پای‌بند بودند. همچنین طی سال‌های مبارزه یعنی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ ناگهان زنان به خود آمدند و دیدند که دائماً در حال مبارزه با مردانند نه بجهای دارند و نه خانواده‌ای همین امر باعث شد تا زنان نیز به مقابله با فمینیسم بپردازند. اشکال سوم همان طور که اشاره شد این بود که فمینیسم فطرت و طبیعت زنان را نادیده گرفت و با همان دیدگاه تشابه‌نگر به وجود آمده بود و این چیزی بود که مورد استقبال واقع نشد نه از سوی مردان و نه از سوی زنان بلکه منجر به یک بحران هویت شد به خاطر نادیده گرفتن احساسات و عواطف ذاتی زن.

از سوی دیگر مقابله مداوم زنان با مردان باعث شد تا مردان هم به مقابله با این خیزش بپردازند و این تقابل‌ها و جدال‌ها باعث یک بحران در خانواده و اجتماع شد. در حال حاضر همین بحران‌ها باعث شد که غرب در حال بازگشت به اصالت‌های خانواده است. به عبارت دیگر رویکرد بازگشت به اصالت‌های انسانی!

ریشه مشکلات امروزی زنان جامعه در چیست؟

بعد از انقلاب اسلامی، مسئولان در اصلاح و تدوین و وضع قوانین کمی کند پیش رفتند. بی‌شک برای پیاده شدن رهنمودهای روشن‌گرانه امام و رهبری در جامعه، نیاز به یک ضمانت اجرایی است. این توصیه‌ها در حد یک مانیفست و منشور بودند. این رهنمودها کارآمد هستند، ولی کافی نیستند. بعضی از مشکلات زنان ما به این امر باز می‌گردد که حکومت ما در عرصه اجرایی کردن توصیه‌های امام کارآمد وارد عرصه نشد.

پی‌آمد دوم این بود که ستم جنسی به زنان در جوامع غربی نادیده گرفته شد. سقط جنین‌ها، فرزندان نامشروع، معامله جسم زن در آژانس‌هایی که از سوی دولت‌ها به رسمیت شناخته می‌شد، اعطای کارت روسپی‌گری به زنان، استفاده تبلیغاتی از زن توسط کمپانی‌های بزرگ، همه و همه باعث شد تا دست‌های ثروت و قدرت زنان را در خدمت مطامع و سودهای کلان خود قرار دهند.

ابتدا فمینیسم را برای خوانندگان ما توضیح دهید و بعد بفرمایید که چرا توانسته یک راهکار مناسب برای پرورفت از مشکلات زنان ارائه دهد؟

فمینیسم از ریشه «فمینا» و از لاتین گرفته شده است. ابتدا به مردانی گفته می‌شد که صفات زنانه داشتند. بعدها این واژه غلیم شد و برای نهضت آزادی‌خواهی زنان به کار رفت. موج اول فمینیسم طرفدار حق رای برای زنان بود؛ چون زن در اروپا حق رای و فعالیت اجتماعی نداشت! طی جنگ جهانی اول و دوم این نهضت افول کرد. بعد از جنگ جهانی دوم به خاطر ستم‌هایی که نسبت به زنان و کودکان رخ داد، این نهضت دوباره اوج گرفت. این موج در انگلستان و فرانسه و امریکا شدت یافت و سپس سایر کشورها را درنوردید. فمینیسم چند مشکل اساسی داشت. یکی اینکه یک نسخه ناآزموده بود؛ یعنی راه‌های موفقیت و عدم موفقیت آن آزموده نشده بود. اشکال دوم این بود که فمینیسم، فرهنگ، دین، آداب، سنن و رسوم و ویژگی‌های فرهنگی هیچ ملیتی را در نظر نگرفته بود و این امر باعث مقاومت خود زنان مقابل فمینیسم شد